



## بررسی اثر بخشی آموزش حل‌مساله به مادران کودکان بیش فعال و نقص توجه بر بهبود کیفیت زندگی

لیلا شقاقی<sup>۱</sup>

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی اثربخشی آموزش حل مساله به مادران کودکان بیش فعال و نقص توجه بر بهبود کیفیت زندگی بود. این پژوهش از نوع آزمایشی با پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری بود که دانش‌آموزان ۴ دبستان از منطقه دو تهران که مبتلا به اختلال کمبود توجه/ بیش فعالی به طور تصادفی به سه گروه تقسیم شدند: گروه حل مسئله، گروه آموزش خانواده و یک گروه کنترل بدون درمان. والدین هر سه گروه، پرسشنامه‌های: مشکلات رفتاری کانرز (فرم والدین)، حل مسئله هپنر و بیکر، کیفیت زندگی ۳۶ سوالی (SF-36)، تنیدگی والدین PSI و پرسشنامه زناشویی انریچ، را تکمیل نمودند و بعد از آموزش پرسشنامه‌ها با استفاده از روش کواریانس مورد تجزیه و تحلیل گرفت. نتایج نشان داد آموزش حل مساله بهتر از آموزش فرزندپروری، کیفیت زندگی والدین و سلامت روان مادران کودکان مبتلا به ADHD را افزایش می‌دهد و روابط والدین این کودکان را بهبود می‌بخشد و تنیدگی والدینی در والدین کودکان مبتلا به ADHD را کاهش می‌دهد. مداخله حل مسئله بهتر از مداخله فرزندپروری بود و به صورت جامع می‌تواند درمان‌های دیگر را زیر مجموعه خود قرار دهد.

**کلید واژه‌ها:** بیش فعالی، نقص توجه، کیفیت زندگی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> کارشناسی ارشد، گروه روانشناسی، دانشگاه پردیس، واحد خوارزمی، تهران، ایران (نویسنده مسئول) (L.shaghghi@gmail.com)



## مقدمه

اختلال ADHD «بیش‌فعالی» مجموعه علائمی است با محدودیت میزان توجه که با سطح رشد فرد تا هماهنگ است و به ضعف تمرکز، رفتار ناگهانی، بیش‌فعالی منجر می‌شود. مشخصه اصلی این اختلال وجود الگوی پایدار فقدان توجه یا بیش‌فعالی تکانشگری است که در مقایسه با افرادی که در همان سطح ارزش قرار دارند، شدیدتر است (سادوک و سادوک، ۲۰۰۷). این اختلال مزمن و آسیب‌زا است و از کودکی تا بزرگسالی ادامه می‌یابد و با تحریک‌پذیری مداوم، تکانشگری و مشکلاتی در تمرکز مشخص می‌شود (انجمن روانشناسی آمریکا، ۲۰۰۰؛ بارکلی، ۲۰۰۳). نتایج پژوهش‌ها درگستره وسیعی از اروپا نشان داد که والدین کودکان مبتلا به ADHD گزارش کرده‌اند که اختلال نقص توجه / بیش‌فعالی تاثیر مهمی بر خانواده گذاشته است و رفتارهای این کودکان واکنش‌هایی را در والدین ایجاد کرده که بر ساختار و عملکرد خانواده تاثیر گذاشته و کیفیت زندگی را کاهش داده است (کوگیل و همکاران، ۲۰۰۸). مادران کودکان مبتلا به ADHD خود را در مقابل رفتارهای کودکانشان ناتوان احساس کرده و احساس عدم صلاحیت که مبین احساس بی‌لیاقتی و ناتوانی در انجام وظایف والدینی است، بیشترین تاثیر را بر تنیدگی والدین دارد (استورا، ترجمه دادستان ۱۳۷۷). تنیدگی والدین به خصوص مادر منجر به افزایش تنیدگی والدین خصوصا مادر شده و والدین استرس بیشتر و رضایت‌مندی کمتری را تجربه می‌کنند (کاکاوند، ۱۳۸۵). همچنین شور و گو (۲۰۰۷) در مطالعه خود که به بررسی عوامل خانوادگی بیش‌فعالی پرداختند، به این نتیجه دست یافتند که مادران کودکان مبتلا به بیش‌فعالی آشفته‌گی روانشناختی بیشتری گزارش کرده و حمایت کمتری از سوی خانواده ادراک می‌کنند.

شواهد پژوهشی در مورد تعارضات زناشویی نشان دهنده‌ای است که بروز اختلالات روانی مختلف و مشکلات رفتاری فرزندان می‌تواند تعارضات زناشویی را افزایش دهد (ویگل، بالارد، دبور، ۱۹۹۹؛ ناصحی، رئیسی، جعفری، رحمانی، ۲۰۰۵). کجباف، آقایی و کویانی (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی رابطه میزان رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری دختران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین رضایت زناشویی و اختلالات رفتاری دختران رابطه وجود دارد.

این شواهد نشان می‌دهد کاهش تنیدگی مادر و سلامت روان و اختلافات زناشویی، منجر به کاهش کیفیت زندگی مادران کودکان مبتلا به اختلال ADHD می‌شود.

کیفیت زندگی یکی از رویکردهای روانشناسی مثبت‌نگر محسوب می‌شود. که یک مفهوم چند بعدی است و در تحقیقات مختلف دامنه‌های متفاوتی برای آن متصور می‌شوند. ابعاد کیفیت زندگی بسیار گسترده است اما بر اساس پژوهش‌های مختلف، هدف غایی شادمانی و رضایت‌مندی از زندگی است که تمام ابعاد سلامت جسمانی، روانی، اجتماعی، اقتصادی، هیجانی و عاطفی را در بردارد (فریش، ۲۰۰۶). این پژوهش تلاش دارد این ابعاد را در نظر بگیرد. تحقیقات حاکی از آن است که مادران کودکان بیش‌فعال، دچار کاهش کیفیت زندگی هستند، آن‌ها عزت نفس پایین‌تر، احساس گناه فزاینده و احساس انزوای بیشتری رانسبت به مادران کودکان عادی تجربه می‌کنند. در پژوهش‌های مختلف نتیجه گرفته شده است که روابط منفی، فشار ناشی از مشکلات رفتاری و تحصیلی کودکان ADHD در خانواده و ناتوانی مادران در حل مشکلات، تاثیر مهم و منحصر به فردی در کاهش کیفیت زندگی و سلامت روان مادران داشته است (پرویزی، سید فاطمی و کیانی، ۱۳۸۷).

کیفیت زندگی نامناسب با وجود مشکلات کودکان ADHD منجر به بالا رفتن سطح تنش در خانواده و از هم گسیختگی روابط خانوادگی می‌شود (شیر و جانسون، ۱۹۹۲؛ جانسون، ۱۹۹۶؛ به نقل از هوش‌ور، بهنیا، خوشابی، میرزایی و رهگذر، ۱۳۸۸). آنچه در کاهش کیفیت زندگی مورد نظر در این پژوهش می‌باشد، پیامدهایی است که زندگی با کودک ADHD، با خود به همراه دارد. این پیامدها شامل: اختلاف و درگیری با همسر، محکومیت مادر به عنوان عامل مشکل کودک ADHD و متهم شدن مادران از طرف همسر و متعاقبا تعارض بین زوجین (فیشر، بارکلی، فیتچر و اسمالیش، ۱۹۹۰)، ارتباط مخدوش مادر- کودک به دلیل بی‌توجهی کودکان ADHD به فرامین و قواعد، عدم توجه به نظم و انضباط شخصی و بدرفتاری که



منجر به رنجش والدین شده تنش و درگیری و ضرب و شتم با کودک را ایجاد می‌کند (ماسن و همکاران ۱۳۷۷). قطع ارتباط با فامیل، همسایه، دوستان و آشنایان و منزوی شدن خانواده و احساس شرم و خجالت، از داشتن فرزند ADHD (کانر و جت، ۱۳۸۶)، ناخوشایند بودن پیامدهای کاهش عملکرد تحصیلی و ناسازگاری‌های کودک با همسالان در مدرسه (همان منبع)، آوازه مخدوش و بدنامی کودک در مدرسه (اشتاین برک و سیگفرید، ۱۳۸۷)، مشکلات اقتصادی و هزینه‌های بالای درمان (علیزاده، ۱۳۸۳)، عدم پذیرش اختلال ADHD بودن فرزند، انکار و اجتناب، انکار مشکلات، سرزنش دیگران، و سرکوب کردن احساسات منفی یا ناراحتی‌های شخصی به وسیله خوردن داروها یا الکل (کریمان، و شهرپور، ۱۳۸۷)، است؛ تحمل فشارهای روانی در زندگی با کودکان ADHD و همه عوامل فوق منجر به افزایش تنیدگی والدین خصوصاً مادر شده و والدین استرس بیشتر و رضایت مندی کمتری را تجربه می‌کنند (کاکاوند، ۱۳۸۵). همچنین شور و گو (۲۰۰۷) در مطالعه خود که به بررسی عوامل خانوادگی بیش فعالی پرداختند، به این نتیجه دست یافتند که مادران کودکان مبتلا به بیش فعالی آشفته‌گی روانشناختی بیشتری گزارش کرده و حمایت کمتری از سوی خانواده ادراک می‌کنند.

شواهد پژوهشی در مورد تعارضات زناشویی نشان دهنده این است که بروز اختلالات روانی مختلف و مشکلات رفتاری فرزندان می‌تواند تعارضات زناشویی را افزایش دهد (ویگل، بالارد، دبور، ۱۹۹۹؛ ناصحی، رئیسی، جعفری، رحمانی، ۲۰۰۵). کجباف، آقایی و کاویانی (۱۳۸۳) در تحقیقی به بررسی رابطه میزان رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری دختران پرداختند و به این نتیجه رسیدند که بین رضایت زناشویی و اختلالات رفتاری دختران رابطه وجود دارد.

این شواهد نشان می‌دهد کاهش تنیدگی مادر و سلامت روان و اختلافات زناشویی، منجر به کاهش کیفیت زندگی در این خانواده‌ها گردیده والدین کودکان مبتلا به ADHD احساس عدم کفایت در حل مسایل زندگی دارند (فیشر، بارکلی، فیلچر و اسمالیش، ۱۹۹۰).

(لانگه و همکاران، ۲۰۰۵، به نقل از حیدری، ۱۳۸۸) معتقدند که مشکل خانواده، استرس زیاد و حمایت کم، آسیب‌شناسی روانی از قبیل افسردگی، پرخاشگری، ناسازگاری زناشویی، فرزندپروری بسیار مداخله‌گر و تعاملات والد - فرزند مستبدانه با ADHD ارتباط و همبستگی دارند، که از عوامل کاهش کیفیت زندگی است. تحقیقات نشان می‌دهند که در بین عوامل مختلفی که در بهبود کیفیت زندگی موثرند، تعامل کودک و والدین از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شوند (نوبی نژاد، ۱۳۷۵؛ به نقل از شکوهی یکتا و زمانی، ۱۳۸۷). خانواده باید با ایجاد محیطی امن و مطمئن، احساس هویت شخصی، حمایت و راهنمایی، توأم با عشق و محبت غیر مشروط برای فرزندان فراهم نماید (بایرز، ۲۰۰۳ و ماتوس، ۱۹۹۹ و کمبل، گرین، ۲۰۰۰ و فابیر، ادوارد، ۲۰۰۳). بنابراین خانواده در افزایش و بهبود کیفیت زندگی نقش عمده‌ای ایفا می‌کند (کریستنسن، ۲۰۰۴). متأسفانه در بسیاری از موارد، برخورد نادرست والدین می‌تواند در افزایش مشکلات کودکان ADHD تعیین‌کننده باشد. رفتارهای ناسازگارانه کودک همچون تکانشگری، عدم تبعیت از دستورات والدین، رفتارهای تخریبی، لجبازی، نافرمانی و تحریک‌پذیری، احساس بدی همچون خشم، عصبانیت، درماندگی، خستگی و کاهش تحمل در والدین به وجود می‌آورد؛ قدر مسلم، وقتی این چنین هیجان‌ها و احساساتی در والدین بیش فعال/نقص توجه به وجود آید، بر نحوه واکنش و رفتارکردن آن‌ها با این کودکان تاثیر می‌گذارد و آن‌ها شروع به تنبیه، طرد، سرزنش و محرومیت می‌نمایند؛ این واکنش‌ها احساسات منفی کودک، همچون ناکامی، خشم و ناامیدی، را برانگیخته و رفتار ناسازگارانه کودک را در این چرخه شیطانی به دنبال دارد که تکرار می‌شود. از این رو تشخیص و حل مشکلات فرزندان و مشکلات سلامت روانی و تنیدگی و استرس والدین و روابط زناشویی مختل و مشکلاتی که به طور مداوم به شکل‌های مختلف و از ساده تا پیچیده در زندگی ظاهر می‌شوند نیاز به آموزش مهارت حل مسئله را جهت اندیشیدن به مسائل و یافتن راه حل بدون وارد کردن خدشه به عزت نفس کودک ضروری می‌نماید. مبادرت به حل مسائل با کنترل هیجانات منجر می‌شود این والدین با شکستهای احتمالی برخوردی مناسب داشته باشند (توورسکی و شوارتز، ۲۰۰۵). مهارت‌های مقابله‌ای حل مساله که در این پژوهش به آن پرداخته شد، به میزان زیادی بر درگیر نمودن والدین در مهارت‌های مورد نیاز برای حل مساله، به طور نظام دار متمرکز است (بایر، ۱۹۹۱ و کندال، ۲۰۰۹).



این مهارت‌ها شامل: شناسایی مشکل و شکستن آن به مشکلات جزئی قابل حل، بررسی یک مورد از آن‌ها در هر زمان، فهرست نمودن راه حل ممکن، اجرای آن، کنترل پیشرفت کار، ارزیابی نتایج، تشویق خود برای حل مساله موفقیت آمیز، شناسایی راه حل های موفقیت آمیز، کنترل نتایج و بررسی مجدد فرایند حل مساله است (اوستاد، ۲۰۰۹).

توانایی حل مسئله یکی از مهارت‌های اساسی زندگی است. مقارن با تغییر و تحولات سریع در جوامع امروزی، استانداردها و تقاضاهای محیطی دستخوش تغییر و تحول شده و مسائل ومشکلات انسان‌ها نیز پیچیده‌تر شده‌اند. بدین سان حل بسیاری از مسائل مستلزم به کارگیری سطوح بالای تفکر است. از آنجایی که افراد از توانایی‌های بالقوه حل مسئله برخوردارند ولی روش کاربرد آن را در زندگی واقعی نمی‌دانند، آموزش این روش‌ها ضروری است. حل مساله یکی از کارکردهای عالی ذهن است حل مساله، راهبرد مقابله‌ای مهمی است که توانایی و پیشرفت شخصی و اجتماعی را افزایش و تنیدگی و نشانه شناسی روانی را کاهش می‌دهد. حل مساله، مستلزم راهبردهای هدفمندی است که فرد به وسیله ی آن مشکلات را تعریف می‌کند، تصمیم به اتخاذ راه حل می‌گیرد، راهبردهای حل مساله را انجام داده و بر آن نظارت می‌کند (دزوریل و ونزو، ۲۰۱۰). حل مسئله تشخیص و کاربرد دانش و مهارت‌هایی است که منجر به پاسخ درست یادگیرنده به موقعیت یا رسیدن او به هدف مورد نظرش می‌شود. (سیف، ۱۳۸۶). عنصر اساسی حل مسئله کاربست دانش و مهارت‌های قبلا آموخته شده در موقعیت‌های تازه است. کاربست دانش و مهارت‌ها برای رسیدن به هدف‌های معین (اسلاوین ۲۰۰۶، به نقل از سیف، ۱۳۸۶).

پژوهش‌های زیادی نشان داده‌اند که آموزش والدین کودکان ADHD در کاهش نشانه‌های این اختلال و ارتقاء عملکرد والدین و کودک مبتلا موثر بوده است (بارکلی، ۲۰۰۶) در درمان اختلال ADHD نقش والدین و آموزش والدین بسیار زیاد است، نگرش والدین نسبت به مشکل کودک می‌تواند در فرایند درمان موثر باشد. به همین دلیل ضروری است در این زمینه اطلاعات مهمی آموزش داده شود. آموزش والدین توانایی والدین در مدیریت رفتار کودکان ADHD را افزایش می‌دهد، این آموزش‌ها می‌تواند شیوه درمانی شناختی رفتاری در زمینه کنترل محیط وسازماندهی رفتار و مهارت‌های فرزندپروری صحیح را به خانواده دارای کودک ADHD ترویج دهد (گلدشتاین و گلدشتاین، ۱۹۹۸). اما با توجه به تنوع مشکلات مربوط به ADHD در سنین مختلف و شرایط محیطی متفاوت و غلبه هیجان‌های مانند عصبانیت و نگرانی و تنیدگی، مسلما امکان آن که یک نوع درمان، به تنهایی بتواند تمام الزامات درمانی این اختلال را پوشش دهد، وجود ندارد بلکه ارزش هریک از مداخله‌ها در کاهش سطح علائم اختلال و مشکلات رفتاری یا هیجانی مرتبط با آن است. همچنین پژوهش‌هایی که در زمینه آموزش والدین صورت گرفته است نتایجی که نشان دهد تنیدگی والدین و سلامت جسمی و روانی و افسردگی را مرتفع ساخته، وجود نداشت (بارکلی، ۲۰۰۰، گلدشتاین و گلدشتاین، ۱۹۹۸) از این رو آموزش حل مساله به عنوان روشی که با اتکا به اصول علمی تغییر رفتار، یعنی الگو گیری، تقویت اجتماعی و تعمیم دهی و با اتکا به جنبه های شناختی رفتار، فرایند درمان و شیوه های مقابله با مشکلات را فراهم آورده است (دزوریل و گلدفرید، ۱۹۷۱) در این پژوهش انتخاب شد. تا به جای گرفتن ماهی، ماهیگیری را به والدین ADHD بیاموزد، به این مفهوم که اگر والدین کودکان ADHD به مهارت‌های حل مسئله مسلط شوند به عنوان راه حل‌های پیشنهادی می‌توانند آموزش والدین را به عنوان یکی از راه حل‌ها در نظر بگیرند تا بتوانند راهکارهای مقابله‌ای موثر دیگری همچون ارتقاء سلامت جسم و روان، کاهش تنیدگی و غیرو را در لیست راه حل‌های خود قرار دهند. ما به دنبال این موضوع هستیم که آیا آموزش حل مساله به مادران کودکان بیش فعال و نقص توجه بر بهبود کیفیت زندگی اثربخش است؟

### روش‌شناسی

**روش پژوهش:** روش پژوهش از نوع آزمایشی با پیش آزمون و پس آزمون و پیگیری است و هدف آن به کار بردن عملی یک دانش در زندگی است. از این رو متغیرهای این پژوهش که شامل: متغیرهای مستقل: مهارت حل مسئله، فرزندپروری و متغیرهای وابسته: کیفیت زندگی و نمرات فرعی آن: رضایت زناشویی، تنیدگی والدین، سلامت روان، با روش آزمایشی مورد بررسی قرار گرفتند.





### جامعه‌آماری، روش نمونه‌گیری و حجم نمونه

جامعه آماری پژوهش، والدین دانش‌آموزان دبستانی مبتلا به ADHD بود که در مدارس عادی و دولتی در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ تحصیل می‌کردند. نمونه پژوهش شامل ۳۰ نفر از مادران دانش‌آموزان مبتلا به ADHD، از چهار دبستان دولتی منطقه ۲ تهران در تابستان سال تحصیلی ۹۳-۹۴ بود. روش سرشماری نمونه در دسترس بود. ابتدا ۴ دبستان منطقه ۲ که همکاری با پژوهشگر داشتند، انتخاب شدند. سپس، دانش‌آموزان مبتلا به ADHD تشخیص داده شدند و والدین آنان پرسشنامه‌های پژوهش را تکمیل کردند.

### ابزار گردآوری داده‌ها و پایایی و روایی

ابزارهایی که جهت جمع‌آوری اطلاعات از گروه‌ها در نظر گرفته شده است به قرار زیر است:

۱-۶-۳- پرسشنامه کیفیت زندگی ۳۶ سوالی (SF-36)

کیفیت زندگی عبارتست از برداشت هر شخص از وضعیت سلامتی خود و میزان رضایت از این وضع (حمیدی زاده و همکاران، ۱۳۸۷). سازمان بهداشت جهانی کیفیت زندگی را درک فرد از جایگاهش در زندگی در بافت سیستم فرهنگ و ارزشهایی که او در آنها زندگی می‌کند می‌داند که در ارتباط با هدف‌ها، انتظارات، استانداردها و نگرانی‌های اوست (شاه و همکاران، ۲۰۱۱). پرسشنامه کیفیت زندگی ۳۶ سوالی (SF-36) مشهورترین و پراستفاده‌ترین ابزار برای سنجش کیفیت زندگی است. پرسشنامه کیفیت زندگی ۳۶ سوالی (SF-36) دارای ۳۶ سوال است و از هشت مقیاس تشکیل شده است که هر مقیاس متشکل از ۲ تا ۱۰ ماده است. زیرمقیاس‌های این پرسشنامه عبارتند از:

۱- کارکرد جسمی (PF)

۲- اختلال نقش بخاطر سلامت جسمی (RP)

۳- اختلال نقش بخاطر سلامت هیجانی (RE)

۴- انرژی/خستگی (EF)

۵- بهزیستی هیجانی (EW)

۶- کارکرد اجتماعی (SF)

۷- درد (P)

۸- سلامت عمومی (GH)

همچنین از ادغام زیرمقیاس‌ها دو زیرمقیاس کلی دیگر به دست می‌آید که عبارتند از:

۱- زیرمقیاس سلامت جسمی: جمع زیرمقیاس‌های کارکرد جسم (PF)، اختلال نقش بخاطر سلامت جسمی (RP)، درد (P)، و سلامت عمومی (GH)

۲- زیرمقیاس سلامت روانی: جمع زیرمقیاس‌های اختلال نقش بخاطر سلامت هیجانی (RE)، انرژی / خستگی (EF)، بهزیستی هیجانی (EW) و کارکرد اجتماعی (SF)

۲-۶-۳- مقیاس درجه بندی مشکلات رفتاری کانرز (فرم والدین)

مقیاس درجه بندی مشکلات رفتاری کانرز در سال ۱۹۶۹ توسط کانرز ساخته شد. این ابزار دارای فرم‌های والدین و معلم می‌باشد و کاربرد وسیعی در زمینه‌های بالینی و پژوهشی کودکان دارد که برای مشخص ساختن برخی علایم و مشکلات رفتاری استفاده می‌شود و همچنین کاربرد وسیعی در غربالگری کلی برای اختلالات و مشکلات کودکی دارد. هم‌اکنون فرم بلند ۹۲ سوالی و فرم کوتاه ۴۸ سوالی از این پرسشنامه در دسترس است. مقیاس والدین ۴۸ سوال دارد که ۵ گروه از اختلال‌های کودکان را شامل: ناتوانایی‌های یادگیری، اختلال سلوک، مشکلات روان‌تنی، فزون‌جنبشی-تکانشگری و اضطراب ارزیابی می‌کند. محدوده سنی قابل کاربرد ۷-۱۲ سال است که به هر پرسش از آنها از صفر تا ۳ نمره داده می‌شود (به ندرت ۰)، تا حدی (۱)، بیشتر اوقات (۲)، تقریباً همیشه (۳). تکمیل این پرسشنامه، حدود ۱۰ تا ۱۵ دقیقه به طول میانجامد.



در پژوهشی که شهائیان و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی هنجاریابی، تحلیل عاملی و پایایی فرم کوتاه ویژه والدین مقیاس درجه بندی کانرز برای ۵۹۸ کودک ۶ تا ۱۱ ساله پرداختند، نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از وجود ۴ عامل مشکلات سلوک، مشکلات اجتماعی، اضطراب - خجالتی و روان - تنی بود. در این پژوهش ۸ سوال به دلیل بار عاملی کمتر از ۰.۴۰ حذف گردیده و سوال ۱۱ به دلیل بار عاملی مشابه با سوال ۱۳ نیز حذف گردیده است.

ویژگی های روانسنجی

زیر آزمون های فرم کوتاه ویژه والدین بر اساس تحلیل عوامل به این شرح میباشد:

- ۱- مشکلات سلوک: ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس توسط کانرز (۱۹۹۰)، ۰/۹۴ گزارش شده است. این مقیاس مشکلاتی مانند گستاخی، زودرنج بودن، خرابکاری و مشاجره را در بر میگیرد.
  - ۲- مشکلات یادگیری: ضریب آلفای کرونباخ برای این زیر مقیاس ۰/۶۳ گزارش شده است. (کانرز، ۱۹۹۰). مشکلاتی مانند حواسپرتی، بی دقتی و سرخورده شدن در فعالیتهای در این مقیاس قرار می گیرند.
  - ۳ مشکلات روان تنی: ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۹۱ گزارش شده است (کانرز، ۱۹۹۰). این مقیاس مشکلاتی مانند سر درد، تهوع و خوابیدن را در بر میگیرد.
  - ۴- بیش فعالی- تکانشگری: ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۷۰ می باشد (کانرز، ۱۹۹۰) و مشکلاتی نظیر ناآرام بودن و حواسپرتی را در بر میگیرد.
  - ۵- اضطراب- انفعال: ضریب آلفای کرونباخ آن ۰/۹۰ می باشد (جیاناریس، گولدن و گرین، ۲۰۰۱). این زیر مقیاس مشکلاتی مانند خجالتی بودن، ترسو بودن و نگران بودن را در برمی گیرد.
- تحلیل عوامل فوق در بسیاری از مطالعات در کشورهای مختلف از جمله هند (روزنبرگ و جانی، ۱۹۹۵)، عربستان (کونتسی، بارت، کینگو کاریا، ۲۰۰۰) و هلند (به لوت و کرفز، ۱۹۷۸) تأیید شده است. روایی و پایایی مقیاس در مطالعات متنوع در کشورهای مختلفی گزارش شده است. گویت، کانرز و اولریچ (۱۹۷۸) همبستگی درونی مقیاسها را بین ۰/۴۱ تا ۰/۸۳ گزارش کرده اند (جیاناریس، گولدن و گرین، ۲۰۰۱). الحسن الاواد و سونگا بارک (۲۰۰۲) در سودان پایایی بازآزمایی را معادل ۰/۸۳ و همسانی درونی بین زیر مقیاسهای مختلف را ۰/۵۲ (زیرمقیاس اضطراب) تا ۰/۸۰ (مقیاس بیش فعالی) گزارش کرده اند. در بنگال ضریب همسانی درونی مقیاس از ۰/۶۰ (مقیاس روان تنی) تا ۰/۷۵ (مقیاس بیش فعالی) گزارش شده است. در ایران ضریب پایایی روی ۱۲ نفر به فاصله ۲ هفته بدین صورت گزارش شده است: مشکلات سلوکی ۰/۵۴، مشکلات یادگیری ۰/۷۸، روان-تنی ۰/۸۳، تکانشوری- بیش فعالی ۰/۳۶، اضطراب ۰/۷۰، ضریب پایایی نمره کل ۰/۳۶ (قدیری نشکاجانی، ۱۳۷۷). در پژوهش دیگری شهائیان و همکاران (۱۳۸۶) به بررسی هنجاریابی، تحلیل عاملی و پایایی فرم کوتاه ویژه والدین مقیاس درجه بندی کانرز برای ۵۹۸ کودک ۶ تا ۱۱ ساله پرداختند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی حاکی از وجود ۴ عامل مشکلات سلوک، مشکلات اجتماعی، اضطراب- خجالتی و روان - تنی بود. به منظور محاسبه پایایی از روش بازآزمایی و آلفای کرونباخ و پایایی بین نمره گذاران استفاده شد. ضریب پایایی بازآزمایی ۰.۵۸، برای نمره کل و از ۰.۴۱ برای زیر مقیاس مشکلات اجتماعی تا ۰.۷۶ برای زیر مقیاس مشکلات سلوک متغیر بود. ضرایب آلفای کرونباخ برای نمره کل، معادل ۰.۷۳ و از ۰.۵۷ (زیر مقیاس مشکلات اجتماعی) تا ۰.۸۶ (زیر مقیاس اضطراب - خجالتی) برای زیر مقیاسها متغیر بود. ضرایب پایایی، بین نمره گذاری پدر و مادر ۰.۷۰ برای نمره کل و از ۰.۴۶ برای زیر مقیاس اضطراب - خجالتی تا ۰.۷۱ برای زیر مقیاس مشکلات اجتماعی می باشد. در این مطالعه، نمرات گروههای سنی ۶ تا ۸ سال و ۱۱ ماه و ۹ تا ۱۱ سال و ۱۱ ماه تفاوت معنی داری نداشت. مقایسه بین دو جنس، نشان داد بر اساس ارزیابی والدین بین نمرات کل دختران و پسران تفاوت معنی داری وجود ندارد، اما در زیر مقیاس مشکلات سلوک پسران و در زیر مقیاس اضطراب - خجالتی دختران به طور معنی داری میانگین نمرات بیشتری را کسب کردند. با توجه به یافتههای ذکر شده، نمرات خام برای کل پرسشنامه و زیر مقیاسها به نمرات تراز شده T با میانگین ۵۰ و انحراف معیار ۱۰ تبدیل شد.



پرسشنامه حل مسئله هپنر و بیکر (۱۹۹۷)

هپنر و کراسکوف (۱۹۸۷ به نقل از لارسون، پنتزا و ونستد، ۱۹۹۵) حل مسئله را شامل یک رشته پاسخ‌های رفتاری، شناختی و عاطفی می‌دانند که به منظور سازگاری با چالش‌های درونی و بیرونی را ابراز گردیده‌اند. هپنر (۱۹۸۸) وجود سه ساختار را در فرآیند حل مسئله مطرح ساخته است عبارتند از: احساس کفایت در حل مسئله، کنترل شخصی بر هیجان‌ها و رفتارها و سبک‌های گرایشی - اجتنابی.

در این زمینه نیز شواهد پژوهشی و نظری گوناگونی درباره متغیرهای فراشناختی به ویژه ارزیابی خود به عنوان یک متغیر موثر در حل مسئله ارائه گردیده است.

پرسشنامه حل مسئله توسط هپنر و پترسن (۱۹۸۲) برای سنجش درک پاسخ دهنده از رفتارهای حل مسئله شان تهیه شده است. 35 (PSI) ماده دارد که برای اندازه‌گیری چگونگی واکنش افراد به مسائل روزانه شان طراحی شده است. ۳ عبارت از پرسشنامه برای اهداف پژوهشی است و نمره گذاری نمی‌شود.

پرسشنامه حل مسئله بر مبنای چرخش تحلیل عاملی دارای ۳ زیر مقیاس مجزا است:

۱. اعتماد به حل مسائل با ۱۶ عبارت، سبک گرایش - اجتناب با ۱۶ عبارت، کنترل شخصی با ۵ عبارت.

ویژگی‌های روان‌سنجی

پرسشنامه حل مسئله با چندین نمونه از آزمودنی‌ها تنظیم و آزمایش شده است. آن همسانی درونی نسبتاً بالایی با مقادیر آلفایی بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ در خرده مقیاس‌ها (PC، ۰/۷۲، AA، 84/0، PSC، 85/0) و ۰/۹۰ برای مقیاس کلی دارد. (هپنر و پترسن ۱۹۸۲).

روایی آزمون نشان داد که ابزار سازه‌هایی را اندازه‌گیری می‌کنند که مربوط به متغیرهای شخصیتی و به طور قابل ملاحظه ای مرکز کنترل هستند. (هپنر و پترسن ۱۹۸۲). پایایی بازآزمایی نمره کل پرسشنامه در فاصله دو هفته در دامنه ای از ۰/۸۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده که بیانگر این است که پرسشنامه حل مسئله ابزاری پایا برای سنجش توانایی حل مسئله است. این پرسشنامه توسط رفعتی و با راهنمایی خسروی در سال ۱۳۷۵ ترجمه و برای اولین بار در ایران استفاده شد. (خسروی و همکاران ۱۳۷۷) آلفای کرونباخ به دست آمده در تحقیق خسروی، درویزه و رفعتی (۱۳۷۷)، ۰/۸۶ و در تحقیق بذل (۱۳۸۳) ۰/۶۶ گزارش شده است که در حد قابل قبولی است.

پرسشنامه تنیدگی والدین (آبیدین ۱۹۹۰)

این شاخص توسط آبیدین ساخته شده و پرسشنامه ایست که بر اساس آن می‌تون اهمیت استرس در نظام والدین و کودک را ارزشیابی کرد و بر این اصل مبتنی است که استرس والدین می‌تواند از پاره‌ای ویژگی‌های کودک، برخی خصیصه‌های والدین و یا موقعیت‌های متنوعی که با ایفای نقش والدینی به طور مستقیم مرتبط هستند ناشی شود. شکل شاخص استرس والدینی این پژوهش، به عنوان شکل بازنگری شده شکل‌های پیشین است که تصحیح آن آسانتر و مقدار آن کمتر است. این شاخص، شامل ۱۲۰ ماده است که در دو قلمرو کودکی (۴۷ ماده) و والدینی (۵۴ ماده) به اضافه یک مقیاس اختیاری تحت عنوان تنیدگی (۱۹ ماده) را در بر می‌گیرد. زیر مقیاس‌های مربوط به هر قلمرو و همچنین تعداد موارد آن‌ها عبارتند از:

الف) قلمرو کودکی شش زیر مقیاس:

۱- سازش‌پذیری (۱۱ ماده)، ۲- پذیرندگی (۷ ماده)، ۳- فزون‌طلبی (۹ ماده)، ۴- خلق (۴ ماده)، ۵- بی‌توجهی و فزون‌کنشی (۹ ماده)، ۶- تقویت‌گری (۶ ماده)

ب) قلمرو والدینی هفت زیر مقیاس:

۱- افسردگی (۹ ماده)، ۲- دلبستگی (۷ ماده)، ۳- محدودیت‌های نقش (۷ ماده)، ۴- حس‌صلاحیت (۱۳ ماده)، ۵- انزوای اجتماعی (۶ ماده)، ۶- روابط با همسر (۷ ماده)، ۷- سلامت والد (۵ ماده)

روایی و پایایی



ضریب قابلیت اعتماد و همسانی درونی از طریق محاسبه آلفای کرونباخ برای کل کقیاس در یک گروه ۲۴۸ نفری از مادران هنگ کنگی ۹۳٪ بدست آمد، این ضریب در قلمرو کودک ۸۵٪ و در قلمرو والد ۹۱٪ بوده است (دادستان، ۱۳۸۵). آبییدین (۱۹۹۱) در یک گروه از مادران آمریکایی ضریب قابلیت اعتماد همسانی درونی ابزار را برای کل مقیاس ۹۳٪ و برای قلمروهای کودک و والد به ترتیب ۸۶٪ و ۸۳٪ بدست آورد (آبییدین، ۱۹۹۱؛ به نقل از دادستان، ۱۳۸۵) در پژوهشی که دادستان، ارغندی و حسن آبادی انجام دادند نیز مقدار ضریب قابلیت اعتماد، همسانی درونی این ابزار برای کل مقیاس ۸۸٪ و ضریب اعتماد باز آزمایشی آنبا فاصله زمانی ۱۰ روز، ۹۴٪ گزارش شده است.

#### پرسشنامه زوجی انریچ

برای بررسی میزان رضایت زناشویی، پرسشنامه اینریچ انتخاب شده است. این پرسشنامه به عنوان یک ابزار تحقیق معتبر در تحقیقات و کارهای بالینی متعددی مورد استفاده قرار گرفته است. فورز و السون (۱۹۸۹) از این پرسشنامه، برای بررسی رضایت زناشویی استفاده کرده‌اند و معتقدند که این مقیاس نسبت به تغییراتی که در خانواده بوجود می‌آید حساس است. فورز و السون (۱۹۸۹) با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی در تحقیق ملی با ۵۰۳۹ زوج نشان دادند که با استفاده از این پرسشنامه می‌توان با دقت ۸۵-۹۵٪ بین زوجین خرسند و ناخرسند تمایز قائل شد. هر یک از موضوعات این پرسشنامه، درارتباط با یکی از زمینه‌های مهم است. این مقیاس شامل ۴ خرده مقیاس ۳۵ ماده‌ای می‌باشد که می‌تواند به عنوان یک ابزار تحقیق از جمله رضایت، ارتباطات، و حل تعارض استفاده گردد. مقیاس زوجی اینریچ یک اندازه‌گیری کلی از روابط زناشویی شامل تحریف آرمانی، رضایت زناشویی، مسایل شخصیتی، ارتباطات، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، رابطه جنسی، فرزندان و فرزند پروری، خانواده و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی مربوط به زن و مرد، جهت‌گیری- مذهبی، همبستگی زوج‌ها و تغییرات زناشویی را شامل می‌شود.

مقیاس‌های این پرسشنامه به شرح زیر است:

تحریف آرمانی: سئوالات این مقیاس، از پرسشنامه اصلاح شده توافق با آیین و رسوم زناشویی ادموند (۱۹۶۷) می‌باشد. این مقیاس، گرایش زوجین را در پاسخ به سئوالات بر اساس رفتارهای پسندیده اجتماعی اندازه‌گیری می‌کند. نمره بالا نشان‌دهنده رابطه غیر واقع بینانه درباره رابطه زناشویی است.

رضایت زناشویی: این مقیاس، رضایت و انطباق افراد با ۱۰ جنبه رابطه زناشویی شامل: موضوعات شخصیتی، ارتباط زناشویی، حل تعارض، مدیریت مالی، فعالیت‌های اوقات فراغت، روابط جنسی، ازدواج و فرزندان، اقوام و دوستان، نقش‌های مساوات طلبی و جهت‌گیری مذهبی را اندازه‌گیری می‌کند. نمره بالا نشان‌دهنده رضایت زناشویی بالا است.

ارتباطات: این مقیاس، احساسات، نگرش‌ها، و اعتقادات شخص نسبت به میزان و چگونگی روابط زناشویی را می‌سنجد. نمره بالا، نشان‌دهنده آگاهی زن و شوهر و رضایت از سطح و نوع ارتباط در روابطشان است. و نمره پایین، نشان‌دهنده فقدان رضایت از ارتباط است.

حل تعارض: این مقیاس، نگرش‌ها، احساسات و اعتقادات همسر را در بوجود آوردن یا حل تعارض و نیز روش‌های زوجین را در پایان دادن به جر و بحث‌ها، ارزیابی می‌کند. نمره بالا، نشان‌دهنده نگرش‌های واقع‌گرایانه درباره تعارضات موجود در روابط زناشویی است و نمره پایین، نشان‌دهنده عدم رضایت از شیوه حل تعارضات است. این پرسشنامه توسط پژوهشگر و همکاران با اجازه کتبی از پروفیسور دیوید السون ترجمه شد و سپس ترجمه برای سه نفر از اساتید متخصص آشنا به فرهنگ و زبان فارسی و انگلیسی که رزومه آنها برای دکتر دیوید السون فرستاده شده بود، ارسال گردید و بعد از اصلاحات صورت گرفته ترجمه فارسی اصلاح و سپس به انگلیسی ترجمه شد و بعد از مقایسه ترجمه انگلیسی با نسخه اصلی و رفع اشکالات، مجدداً ترجمه فارسی اصلاح شد و ترجمه نهایی اصلاح شده دوباره به انگلیسی ترجمه شد. و در نهایت برای آگاهی از فهم پرسشنامه، توسط خوانندگان پرسشنامه به طور آزمایشی بر روی ۶ نفر اجرا شد و سئوالاتی که قابل فهم نبودند اصلاح شد پس از ویرایش





نهایی و تایید اساتید همکار، ترجمه فارسی و ترجمه انگلیسی همراه با مراحل کار برای دکتر السون فرستاده شد و مجوز نهایی برای اجرای پرسشنامه برای مترجمین در ایران توسط دکتر السون صادر شد.

### یافته‌های پژوهش

فرضیه پژوهش با استفاده از آزمون‌های آماری تحلیل کوواریانس و تحلیل واریانس مکرر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و به این نتیجه رسیده شد که اثر درمان آموزش حل مسئله بر کیفیت زندگی والدین کودکان مبتلا به ADHD از درمان فرزند پروری موثرتر است و اثر هر دو درمان بهتر از آن است که آموزشی داده نشود.

### جدول ۱: خلاصه تحلیل کوواریانس و میانگین اصلاح شده برای مقایسه آموزش حل مسئله، فرزندپروری و بدون آموزش بر کیفیت زندگی

میانگین های اصلاح شده پس آزمون		اثرات بین آزمودنی ها							
منبع تغییرات	df	میانگین مربعات	F	سطح معناداری	متغیر وابسته	گروه	میانگین	خطای استاندارد	
همپراش	۱	۱۳۵۸/۳۵۹	۲۴/۵۷۶	۰/۰۰۰۱	کیفیت زندگی	حل مسئله	۶۴/۲۷	۲/۳۹۷	
گروه	۲	۱۴۲۸/۵۳۹	۲۵/۸۴۶	۰/۰۰۰۱	کیفیت زندگی	فرزندپروری	۷۰/۷۹	۲/۳۵۵	
خطا	۲۶				کیفیت زندگی	کنترل	۸۷/۹۳	۲/۳۷۴	

با توجه به جدول فوق نتایج جدول در اثرات بین آزمودنی ها با  $F(2, 26) = 25/846, P < 0/01$  نشان داده شد که تفاوت آماری معنادار بین سه گروه مداخله وجود دارد. به عبارتی میانگین کیفیت زندگی گروه‌های سه گانه (آموزش حل مسئله، آموزش فرزند پروری و کنترل) پس از حذف اثر پیش آزمون به طور معناداری با هم تفاوت دارد. همانطور که در میانگین‌های اصلاح شده پس آزمون مشاهده می‌شود این نتیجه به این معنا است که تفاوت مشاهده شده بین میانگین پس آزمون گروه آموزش حل مسئله (۶۴/۲۷)، گروه آموزش فرزندپروری (۷۰/۷۹) و گروه کنترل (۸۷/۹۳) در ارتباط با کیفیت زندگی معنادار می باشد. لذا (با توجه به اینکه در پرسشنامه کیفیت زندگی نمره کمتر بیانگر کیفیت زندگی مطلوب‌تر است) تایید می گردد که اثر درمان آموزش حل مسئله بر کیفیت زندگی والدین کودکان مبتلا به ADHD از درمان فرزند پروری موثرتر است و اثر هر دو درمان بهتر از آن است که آموزشی داده نشود.

### جدول ۲: جدول نتایج اندازه گیری های مکرر دو گروه آزمایشی در کیفیت زندگی

اثر زمان (ویلز لامبدا)	ارزش	df <sub>1</sub>	df <sub>2</sub>	F	sig
حل مسئله	۰/۱۶۳	۲	۸	۲۰/۵۱۱	۰/۰۰۰۱
فرزند پروری	۰/۱۴۱	۲	۸	۲۴/۴۴۹	۰/۰۰۰۱

چنانچه از جدول فوق منتج می شود مقدار مشخصه آماری F با (حل مسئله (۲۰/۵۱۱) و فرزندپروری (۲۴/۴۴۹)) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت تغییر در مراحل مختلف آزمون کیفیت زندگی در هر دو گروه آزمایشی معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی در مراحل مختلف آزمون در گروه های آزمایشی نشان می دهد که میانگین مرحله های پیش آزمون، پس آزمون و پیش آزمون و پیگیری تفاوت معنادار دارد.

### جدول ۳: جدول نتایج آزمون تعقیبی بونفرنی گروه های آزمایشی

حل مسئله		فرزندپروری			
I	J	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار	اختلاف میانگین (I-J)	خطای معیار
پیش آزمون	پس آزمون	*۲۲/۲	۳۳/۳۴	*۱۴/۱۵	۲/۴۱



۲/۱۳	*۱۵/۵	۳/۳۷	*۲۲/۶	پیگیری	
۲/۴۱	*-۱۴/۵	۳/۳۴	*-۲۲/۲	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
۱/۰۱	۱	۱/۲۱	۰/۴	پیگیری	
۲/۱۳	*-۱۵/۵	۳/۳۷	*-۲۲/۶	پیش‌آزمون	پیگیری
۱/۰۱	-۱	۱/۲۱	-۰/۴	پس‌آزمون	

با توجه به جدول فوق میانگین نمرات پس‌آزمون گروه حل مسئله نسبت به مرحله پیش‌آزمون کاهش (کاهش نمره در پرسشنامه کیفیت زندگی بیانگر رسیدن به سطح مطلوبتر است) یافته (-۲۲/۲) که این میزان در سطح ۰/۰۵ معنادار است اما معناداری در بین مراحل پس‌آزمون و پیگیری (۰/۴) دیده نشد. به عبارت دیگر در مرحله پیگیری نشان داده شد که کیفیت زندگی والدین کودکان مبتلا به ADHD با آموزش حل مسئله بهبود یافته و این بهبود در مرحله پیگیری ماندگار باقی مانده است.

میانگین نمرات پس‌آزمون گروه فرزند پروری نسبت به مرحله پیش‌آزمون کاهش یافته (-۱۴/۵) که این میزان در سطح ۰/۰۵ معنادار است اما معناداری در بین مراحل پس‌آزمون و پیگیری (۱) دیده نشد. به عبارت دیگر در مرحله پیگیری نشان داده شد که کیفیت زندگی والدین کودکان مبتلا به ADHD با آموزش فرزند پروری بهبود یافته و این بهبود در مرحله پیگیری ماندگار باقی مانده است.

#### نتیجه‌گیری

هدف اصلی تحقیق، بررسی اثر بخشی آموزش حل مسئله به مادران کودکان بیش‌فعال و نقص توجه بر بهبود کیفیت زندگی است. با توجه به مفهوم و تعریف کیفیت زندگی که ابعاد مختلفی مانند شادکامی، رضایتمندی، سلامت جسم و روان، روابط، تفریح و سرگرمی، یادگیری، پول، کار، شرایط محیطی، خلاقیت، احترام به خویش و موارد دیگر را در بر می‌گیرد آنچه در این پژوهش مد نظر قرار گرفت بعد سلامت روان، روابط زناشویی و تنیدگی والدین بود که نقش مهمی در کیفیت زندگی مادران دارای کودک ADHD دارد، و از آنجاییکه روش درمان حل مسئله با استناد به تحقیقات فراوان اندیشمندان عرصه روانشناسی به عنوان درمان موثر در بسیاری از اختلالات، از جمله: محمدی (۱۳۸۱) به بررسی تاثیر دو شیوه درمانی حل مسئله و آموزش ظرفیت ابراز وجود بر اختلال سلوک در نوجوانان؛ نصرآبادی (۱۳۸۲)، احدی، میرزایی، نریمانی، ابوالقاسمی (۱۳۸۷)، محمودی راد، آراسته، افقه و براتی (۱۳۸۶)، تاثیر آموزش حل مسئله بر بهبود سازگاری، عملکرد تحصیلی مهارت‌های ارتباطی؛ و نیز پژوهش‌های بیکر ویدرمن، جکوب، رینک، سیلوا و مارچ (۲۰۱۰)، تاکاهاشی، کازکی و شیمادا (۲۰۰۹)، وازکین، سافدت، هولتمن، فریز و اندرسون (۲۰۰۹)، چانگ، دزوریلا و سانا (۲۰۰۹)، مک موران، دوگان، کریستوفر و هوباند (۲۰۰۷)، یاماشیتا، میزونو، نیتومو و کاشیما (۲۰۰۵)، فیک و ربکا (۲۰۰۴)، دزوریلا، چانگ و سانا (۲۰۰۳)، تگلاری و راتمن (۲۰۰۱)، پاکسلاهای (۲۰۰۰)، در زمینه آموزش حل مسئله و تاثیر مثبت آن بر کاهش پرخاشگری، استرسی و تنیدگی، افسردگی، سلوک، رفتارهای مخرب، رفتارهای ضد اجتماعی، علائم شیزوفرنی، علائم اختلالات شخصیت و همچنین افزایش سازگاری اجتماعی، شادمانی، سرعت یادگیری، انعطاف پذیری، عزت نفس، ارتباطات اجتماعی؛ شناخته شده است، در این پژوهش تاثیر حل مسئله بر ابعاد ذکر شده کیفیت زندگی بررسی شد. با توجه به نتایج یافته‌ها در اثرات بین آزمودنی‌ها با  $F(2, 26) = 25/846, P < 0/01$  نشان داده شد که تفاوت آماری معنادار بین سه گروه مداخله وجود دارد. به عبارتی میانگین کیفیت زندگی گروه‌های سه‌گانه (آموزش حل مسئله، آموزش فرزند پروری و کنترل) پس از حذف اثر پیش‌آزمون به طور معناداری با هم تفاوت دارد. تفاوت مشاهده شده بین میانگین پس‌آزمون گروه آموزش حل مسئله (۶۴/۲۷)، گروه آموزش فرزند پروری (۷۰/۷۹) و گروه کنترل (۸۷/۹۳) در ارتباط با کیفیت زندگی معنادار می‌باشد. لذا (با توجه به اینکه در پرسشنامه کیفیت زندگی نمره کمتر بیانگر کیفیت زندگی مطلوبتر است) تایید می‌گردد که اثر درمان آموزش حل مسئله بر کیفیت زندگی والدین کودکان مبتلا به ADHD از درمان فرزند پروری موثرتر است و اثر هر دو درمان



بهبتر از آن است که آموزشی داده نشود. نتایج پیگیری نشان داد مقدار مشخصه آماری F با (حل مسئله (۲۰/۵۱۱) و فرزندپروری (۲۴/۴۴۹)) در سطح ۰/۰۱ معنادار است. بنابراین می توان نتیجه گرفت تغییر در مراحل مختلف آزمون کیفیت زندگی در هر دو گروه آزمایشی معنادار است. نتایج آزمون تعقیبی در مراحل مختلف آزمون در گروه های آزمایشی نشان می دهد که میانگین مرحله های پیش آزمون، پس آزمون و پیش آزمون و پیگیری تفاوت معنادار دارد.

#### منابع

- احدی، بتول؛ میرزایی، پری؛ نریمانی، محمد؛ ابوالقاسمی، عباس؛ (۱۳۸۷). تاثیر آموزش حل مسئله اجتماعی بر سازگاری اجتماعی و عملکرد تحصیلی دانش آموزان کمرو. *مجله پژوهش در حیطه کودکان استثنایی*، ۹، ۳، ۱۹۳-۲۰۲.
- اشتاین برگ، مارک و سیگفرید، اتمر. (۲۰۱۳). *نوروفیدبک: افقی تازه به درمان کم توجهی/بیش فعالی*. ترجمه رضارستمی و علی نیلوفری (۱۳۸۷). تهران: انتشارات تبلور.
- اکبری، زردخانه، سعید، (۱۳۸۵). مقایسه کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در مددجویان در زندانهای استان تهران در سال ۱۳۸۵. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی علوم تربیتی و توانبخشی.
- آسوده، محمد حسین (۱۳۸۹). *فاکتورهای ازدواج موفق از دیدگاه زوجین خوشبخت، پایان نامه* آقاپور، م.، اقدسی، ع.، ۱۳۸۹، بررسی رابطه تعارض زناشویی با نشانه های آسیب شناختی عاطفی و رفتاری کودک، *مجله زن و مطالعات خانواده*، سال سوم، شماره ۹: ۲۷-۳۵.
- بابا پور، خیرالدین، ج.، رسول زاده، طباطبایی، ک، اژه ای، ج.، فتحی آشتیانی، ع.، ۱۳۸۲، بررسی رابطه بین شیوه های حل مسئله و سلامت روانشناختی دانشجویان، *مجله روانشناسی*، سال ۷، شماره ۱: ۱-۱۶.
- بلوم کویت، مایکل، ال. *مهارتهای سازگار با کودکان ناسازگاری*. ترجمه جواد علاقبند راد. (۱۳۸۳). چاپ اول، تهران: نشر سینا
- جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد مشاوره خانواده. دانشگاه تهران.
- دادستان، پریخ، (۱۳۷۸). *روان شناسی مرضی تحولی از کودکی تا بزرگسالی*، جلد ۱ و ۲، انتشارات سمت، تهران.
- داگلاس، تاینن (۲۰۰۵) *بیش فعالی چیست؟ ترجمه مریم اخوان*. تعلیم و تربیت استثنایی. ۷۰ و ۷۱، مهر و آبان ۸۶
- رسولی، رویا؛ اعتمادی، احمد؛ شفیع آبادی، عبدالله و دلاور، علی. (۱۳۸۶). مقایسه اثربخشی مداخله متمرکز برهیجان به شیوه زوجی و فردی بر کاهش درماندگی رابطه زوجین دارای فرزند با بیماری مزمن. *فصلنامه خانواده پژوهی*. ۳ (۱۱): ۶۸۳-۶۹۸.
- روشن بین، مهدیه. (۱۳۸۵). *بررسی اثربخشی برنامه گروهی فرزندپروری مثبت بر استرس والدگری مادران کودکان ۴ تا ۱۰ ساله مبتلا به اختلال بیش فعالی/کمبود توجه*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
- روشن بین، مهدیه؛ پوراعتماد، حمیدرضا؛ خوشابی، کتابون. (۱۳۸۶). تأثیر آموزش برنامه گروهی فرزندپروری مثبت بر استرس والدگری مادران کودکان مبتلا به ADH. *فصلنامه خانواده پژوهی* ۱۰.۱۱۸۶/۱۷۵۳-۲۰۰۰-۲-۳۱.
- سادوک، ب. ج.، سادوک، و.، ۲۰۰۷، *خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری و روانپزشکی بالینی*، ترجمه فرزین رضایی، ۱۳۸۸، تهران: انتشارات ارجمند.
- سادوک، بنیامین، سادوک، ویرجینیا، (۱۳۸۲). *خلاصه روانپزشکی: علوم رفتاری-روانپزشکی بالینی*، ترجمه نصرت الله پورافکاری، جلد ۳، انتشارات شهر آشوب: آینده سازان، تهران.
- علیزاده، حمید. (۱۳۸۳). *اختلال کمبود توجه/افزون جنبشی ویژگی ها، ارزیابی و درمان*. تهران: انتشارات رشد.
- علیزاده، حمید. (۱۳۸۴). *تبیین نظری اختلال نارسایی توجه / بیش فعالی: الگوی بازداری رفتاری و ماهیت خودکنترلی، پژوهش درحیطه کودکان استثنایی*. ۱۷، (۳)، ۳۸۴-۳۲۳.



- فروع الدین عدل، اصغر، (۱۳۷۲). تاثیر بکارگیری روش آموزش مهارت‌های اجتماعی در بهبود رفتارهای اخلاص گرانه کودکان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم پزشکی ایران، تهران.
- کجباف، م و همکاران. (۱۳۸۳). بررسی رابطه بین میزان رضایت زناشویی والدین با اختلالات رفتاری دختران. *مطالعات زنان*. سال دوم، شماره ۴، ۱۸۳-۴-۲۰۷.
- کهرازی، ف.، آزاد فلاح، پ.، الهیاری، ع.، ۱۳۸۲. بررسی اثر بخشی آموزش مهارت حل مسئله در کاهش افسردگی دانش آموزان. *مجله روانشناسی*. سال ۷، ش ۲، ص ۱۲۷-۱۴۲.
- کیمیایی، سید علی بیگی، فاطمه. (۱۳۸۹). مقایسه کارکردهای خانوادگی مادران کودکان سالم و کودکان بیش فعال / نقص توجه و تاثیر مهارت حل مساله بر کارکردهای خانوادگی مادران. *مجله علوم رفتاری*، دوره ۴، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، ۱۴۱-۱۴۷.
- نجات و همکاران. (۱۳۸۵). استانداردسازی پرسشنامه کیفیت زندگی سازمان جهانی بهداشت (WHOQOL-Bref) ترجمه و روان سنجی گونه ایرانی - *مجله دانشکده بهداشت و انستیتو تحقیقات بهداشتی* - دوره ۴ - شماره ۴ - زمستان ۸۵ - ص ۱۲.
- یوسفی، فایق، جزایری، علیرضا و پورشهباز، عباس (۱۳۸۱). بررسی شیوع اختلال نقص توجه همراه با بیش فعالی و رابطه آن با برخی ویژگی های دموگرافیک خانواده در دانش آموزان ابتدایی شهر سنندج در سال ۱۳۷۷، *مجله شناخت*، دوره ۱، شماره ۱، صفحه ۱۲ تا ۲۱.
- Abidin, R. R. (1990). Parenting stress Index Manual. (3 cd) University of Virginia.
- Ahmadi, K., Nabipoor, S. M., Kimiaee, S. A., & Afzali, M. H. (2010). Effect of family problem-solving on marital satisfaction. *Journal Of Applied Science*, 10(8):682-687.
- Alan C.) 2006. (Family therapy: Concepts, process and practice. 2nd ed. New York: John Wiley and Sons.
- Allen, S. M., Shah A. C., Nezu, A. M., Nezu, C. M., Ciambrone, D., Hogan J., et al. (2002). A Problem-Solving approach to stress reduction among younger women with breast carcinoma: A randomized controlled trial. *Cancer*, 94, 3089-3100.
- Bagner, D., & Eyberg, S. (2007). Parent-child interaction therapy forv disruptive behavior in children with mental retardation: A randomized controlled trial. *Journal of Clinical Child And Adolescent Psychology*, 36, 418-429.
- Bandura, A. (1986). Social foundations of thought and action: A social- cognitive theory. Englewood Cliffs, NJ: Prentice- Hall.
- Biederman, J., Faraone, S. V., Keenan, K. & Tsuang, M. T. (1991). Familial association between Attention deficit disorder and major affective disorders. *Journal of Clinical psychiatry*, 51, 102-106.
- Bloom, B. L. (1985). Stressful life event theory and research: Implications for primary prevention (DHHS publication No. [AMD ] 85-1985). Rockville, MD: National Intitute of mental health .
- Bodenmann G. (1999). Dyadic coping-systemic transaction view of stress and coping among couples. *European Review of applied psychology*, 74, 140-737.
- Cramond, B. (1994) ADHD And creativity: What is the connection? *Journal of Creative behavior*, 28, 193-210.





Cuzzocrea F, Larcán R. (2008). Parent training for families with mentally retarded children. *Ment Retard Cogn Dev Dis.* 28:715-30.

DanForth J S, Harvey E, Ulazek W R. & Eberhardt T. (2006). The outcome of group parent training for families of children with attention deficit/aggressive Behavior. *Journal of Behavior Therapy And Experimental Psychiatry*, 3, 188–205.

Davis, E.E., & Fine-Davis, M. (1991). Social indicators of living conditions in Ireland with European comparisons. *Social Indicators Research*, 25, 103-365.

El- Hassan Al-Awad, A. M., Sonuga-Barke, E. J., (2002). "The application of the Conners' Rating Scales to a Sudanese sample: An analysis of parents and teachers rating of childhood behavior problems. *Psychology and Psychotherapy: Theory, Research and practice*, 75:177-187.

Faraone SV, Beiderman J, Mennin D, Gershon J, Tsuang MT (1996). A prospective four-year follow-up study of children at risk for ADHD: Psychiatric, neuropsychological and psychosocial outcome. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatr.*; 35:1449-59.

Faraone, S. V., Sergeant, J., Gillberg, C., & Biederman, J. (2003). The worldwide prevalence of ADHD: Is it an American condition? *World Psychiatry*, 2(2), 104–113.

Hadas, M. (Ed.). (1958). *The stoic philosophy of Seneca: Essays and letters of Seneca.* New York: Doubleday.

Hemphil, Sh. A. & Littlefield, L. (2001). Evaluation of short-term group therapy program for childrens with behavior problems and their parent. *Behaviour Research And therapy*. 39, 823.-841.

in Attention Deficit/ Hyperactivity, Oppositional Defiant and Conduct Disorder, *Australian and New Zealand Journal of Psychiatry*, 34(3): 553-457.

Lazarus, R. S. (1999). *Stress and emotion: A new synthesis.* New York Springer .

Lazarus, R. S., & Folkman, S. (1984). *Stress, Appraisal, And coping.* New York: Springer.

Lazarus, R.S. (1991). *Emotion and adaptation.* New York: Oxford University Press.

Loren R EA , Vaughn A J , Langberg J. M, Cyran J.E. M, Proano-Raps T & Beverly H.(2013). Effects of an 8-Session Behavioral Parent Training Group for Parents of Children With ADHD on Child. *Journal of Attention Disorders* The online version

Lyubomirsky, S., Sheldon, K. M., & Schkade, D. (2007). Pursuing happiness: The architecture of sustainable change. *Review of General Psychology*.

Pakaslahati.L. (2000). Children ,s and adolescent,s aggressive behavior in contex: the development and application of aggressive problem solving stratigies . *Aggression and Violent Behavior* , %.467-490.

Pfiffner, L. J. & Mc Burnett, K. (1997). Social Skills training with parents treatment effect for childtrenn with attention deficit disorder. *Journal of consulting and clinical psychology*. 65,749-757.

Phaik Ooi.Y.& Rebeca (2004) , Social Problem – solving skills Traning Problem for Aggressive children . the Korean Jurnal of thinking & Problem – solving ,14: 1,61-73.

Rey, J.M., Walter, G., Plapp, J.N., Denshire, E. (2000). *Family Eenvironment*



Rhee, S. H; Waldman, I. D; Hay, D. A. & Levy, F. (1999). Sex Difference in genetic and environmental influences on DSM-III-R attention deficit hyperactivity disorder. *Journal of Abnormal Psychology*, 108, 24-41.

Witkiewitz, K., & Marlatti, G.A. (2004). Relapse prevention for alcohol and drug problems. *American Psychologist*, 59, 224-235.

World Health Organization.(1985). The ICD-10 classification of mental and behavioral disorders. Geneva: WHO; 1992.6- Whalen CK, Henker B. The social worlds of attentiondeficit/hyperactive disorder: Five fundamental facets.*Child Adolesc Psychiatr Clin N Am.*;1(5):395-410.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی



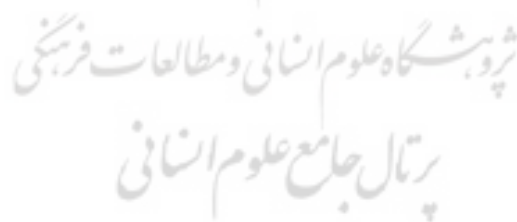
## Evaluate the effectiveness of the solution to the mothers of children with attention deficit hyperactivity and improve quality of life

Leila Shaghaghi<sup>1</sup>

### Abstract:

The aim of this study was to investigate the effectiveness of problem-solving education for mothers of hyperactive children and attention deficit improvement in quality of life. This study was an experimental type with pre-test, post-test and follow-up that students of 4 primary schools in Tehran's second district with attention deficit / hyperactivity disorder were randomly divided into three groups: problem solving group, family education group and one group. Control without treatment. Parents of all three groups completed the questionnaires: Connors Behavioral Problems (Parent Form), Hepner and Baker Problem Solving, 36-Question Quality of Life (SF-36), PSI Parental Stress, and the Enrich Marital Questionnaire. The method of covariance was analyzed. The results showed that problem-solving education improves parenting education, parental quality of life and mental health of mothers of children with ADHD, improves parent-child relationships, and reduces parental stress in parents of children with ADHD. Buddhist parenting intervention can comprehensively include other treatments.

**Keywords:** hyperactivity, attention deficit, quality of life



<sup>1</sup> M.A, Department of Psychology, **Pardis University**, Kharazmi Branch, Tehran, Iran  
(L.shaghaghi@gmail.com)